

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا (س)

سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۳۱۶-۲۹۵

اهمیت و کارکرد روش پروسوپوگرافی (پیشینه نگاری) در مطالعات تاریخ ساسانی (از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف)^۱

ویدا موفقی^۲، روزبه زرین کوب^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

چکیده

با وجود این که پیشینه و نقش افراد در مطالعات تاریخی همیشه مدنظر مورخان بوده است، شناسایی همه جانبه و گروهی شخصیت های تاریخی، براساس موضوع، کمتر دیده می شود. پروسوپوگرافی (پیشینه نگاری) امکان گردآوری منظم داده های موجود درباره شخصیت های مرتبط با هر موضوع را به گونه ای فراهم می آورد که چینه گروه هدف بر مبنای ویژگی های مشترک، از میان منابع اولیه و بررسی مدخل ها به کمک پژوهش های جدید صورت گیرد. پروسوپوگرافی در صورت تمایل پژوهشگر، به دور از سیطره کلان روایت ها یا کهن روایت ها، به تحلیل موضوع می انجامد. ضرورت شناسایی مستقل شخصیت های تاریخی و بازبینی موضوعات دو سده نخست ساسانی (از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف)، پژوهش حاضر را نخست به سمت معرفی روش پروسوپوگرافی و شیوه اجرای آن در مطالعات تاریخی و سپس معرفی موضوعات مناسب با روش فرامی خواند. دستاورد پژوهش نیز باتوجه به توضیحاتی که در هر قسمت درباره روش ارائه می شود، فراهم نمودن بستری برای مطالعه برخی موضوعات تاریخی دو سده نخست ساسانی است که به دلایلی چون کمبود منابع و چیرگی فضای فکری تاریخ نگاری های سده های بعد، ابهاماتی دارند. پژوهش حاضر به جای ارائه یک نمونه منفرد، به بیان اهمیت و کارکرد پروسوپوگرافی در موضوعاتی می پردازد که هر کدام نقطه شروعی برای ادامه آن تا پایان دوران ساسانی است.

کلیدواژه ها: پروسوپوگرافی (پیشینه نگاری)، ساسانیان، تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی، نام شناسی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.46703.1718

۲. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

vida.movaffaghi@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

zarrinkoobr@ut.ac.ir

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "پیشینه نگاری (پروسوپوگرافی) دیوانسالاران ساسانی از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف" در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی است.

مقدمه

پرسوپوگرافی (پیشینه‌نگاری) شخصیت‌های تاریخی یک دوره، پژوهشگر را با احتیاط علمی بیشتری به بازبینی منابع اولیه و بررسی بدون استثنای تمام موارد موجود فرامی‌خواند. پژوهشی که انتخاب شخصیت‌های آن در راستای اهداف و دستاوردها باشد، ممکن است با نادیده‌گرفتن برخی موارد کمترشناخته‌شده دچار سوگیری شود، زیرا تحت‌تأثیر نمونه‌های موافق، پرننگ و دیدگاه مورخان دوره‌های بعد قرار می‌گیرد. پرسوپوگرافی با شناسایی تمامی افراد مرتبط با یک موضوع خاص و به اتکای منابع اولیه، در پی رفع این مشکل است. این روش در حوزه موضوعات سیاسی و اجتماعی ساسانی از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف، پژوهش را به سمت مطالعاتی جدید یا بازبینی مطالعات پیشین فراخوانده و از دخالت پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های رایج می‌کاهد. از آنجاکه پرسوپوگرافی با کمبود داده‌های تاریخی سازگار است (Ankoud, 2020: 70; Coles., 2018: 87)، با محدودیت منابع این دوره نیز هم‌خوانی دارد.

دلیل انتخاب دو سده نخست ساسانی، یکی لزوم بررسی موضوعات مهم این دوره به اتکای وجود نام و ویژگی‌های شخصیت‌های درباری در کتیبه‌ها و نقوش برجسته و دیگری رعایت ترتیب زمانی و زمینه‌سازی برای مطالعات مشابه، در دوره‌های بعدی است. از آنجاکه در پرسوپوگرافی، پژوهشگر با نگاه محوری به مدخل‌های پژوهش یا [اعضای گروه هدف]^۱ می‌نگرد، هر موضوعی که در دو سده نخست ساسانی به روش فوق بررسی شود، زمینه ادامه آن تا پایان دوره ساسانیان فراهم می‌گردد.

تاکنون، پژوهش‌های اندک ولی سودمندی به روش پرسوپوگرافی در دوره‌های هخامنشی^۲ و اشکانی^۳ انجام شده که اگرچه در محدوده زمانی این پژوهش نمی‌گنجد، بررسی آن‌ها از نظر روش مهم است. پژوهش‌های مربوط به دوره مدنظر، محدود به کارهای سیروس نصراله‌زاده^۴، اورزولا وبر^۵ و علیرضا شاپور شهبازی است. نصراله‌زاده به اتکای منابع و دانش زبان‌شناسی،

1. Target population
2. Balcer, J. Martin, 1993, *A Prosopographical Study of the Ancient Persian's Royal and Noble*.
3. Karras-Klapproth, Margarete, 1988, *Prosopographische Studien zur Geschichte des Partherreiches and der grundlage antiker literarischer überlieferung*.

۴. نام‌تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمزد اول

5. Weber, U., 2006- 2007, "Wahrām I, König der König von Erān und Anerān", *Iranistik*, S. Jahrgang, Heft 1-2; Ibid, 2007, " Hormezd I, König der König von Erān und Anerān", *Iranica Antiqua*, vol XLIV; Ibid, 2009, Wahrām II, König der König von Erān und Anerān", *Iranica Antiqua*, vol XLIV; ibid, 2010, "Wahrām III, König der König von Erān und Anerān", *Iranica Antiqua*, vol XLV; Ibid, 2012, "Narseh, König der König von Erān und Anerān", *Iranica Antiqua*, vol XLVII.

ضمن بررسی شخصیت‌های تاریخی، در کتاب نام‌تبارشناسی ساسانیان: از آغاز تا هرمز دوم، ریشه‌شناسی^۱ و نسب‌شناسی^۲ و معرفی منابع موجود در مورد هر مدخل را انجام داده است. اورزولا وبر نیز پس از چندین مقاله، بدون در نظر داشتن موضوع خاصی، در مورد بهرام یکم، هرمز یکم، بهرام دوم، بهرام سوم، و نرسه، به پژوهشی گروهی با عنوان پرسوپوگرافی شاهنشاهی ساسانی در سده ۳م^۳، پرداخته که همچنان ادامه دارد. در واقع با وجود این که اطلاعات ارزشمند این پژوهشگران می‌تواند به ساخت پایگاه داده و دسترسی سودمند اطلاعات بینجامد، هیچ‌کدام بر مبنای موضوع خاصی صورت نگرفته است. تنها علیرضا شاپور شهبازی در دو مقاله پرسوپوگرافی^۴ و یک مقاله شمایل‌شناسی^۵ از این روش به صورت موضوعی استفاده نموده و پس از گردآوری داده‌ها، به تحلیل موضوع پرداخته است.

در مورد شیوه تحقیق پرسوپوگرافی ساسانی از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف، باید در نظر داشت که پرسوپوگرافی براساس منابع صورت می‌گیرد؛ لیکن به دلیل تخصصی بودن منابعی چون سکه، مهر، کتیبه و تنوع زبانی آن‌ها، پژوهشگر از پژوهش‌های علمی متخصصان، دیدگاه‌ها و نظریه‌های جدید بی‌نیاز نیست. همچنین دستیابی به پایگاه‌های داده، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، بایگانی‌های اسناد تاریخی و گفت‌وگو با مورخان، کتابداران و آرشیوداران لازم است (Coles., 2018: 88). پیداست که سکوت منابع موجب بی‌پاسخ ماندن پرسش‌های مورخ می‌گردد (Koenraad, 2007: 55). نکته دیگر این که با وجود تعاریف متنوع از این روش (Koenraad, 2007: 39-40)، تصور می‌شود واژه پیشینه‌نگاری که شامل نام‌شناسی^۶، تبارشناسی، کارنامه سیاسی و رویکردهای اجتماعی اعضای گروه هدف می‌شود، از نظر مفهومی و رویکرد به پرسوپوگرافی نزدیک‌تر باشد. با این حال، پژوهش حاضر از خود واژه پرسوپوگرافی به جای برابر نهاده‌های موجود چون نام‌تبارشناسی، شخصیت‌شناسی و چهره‌شناسی استفاده می‌نماید.

1. etymology
2. genealogy
3. Prosopographie des Sāsānidenreiches im 3. Jahrhundert n.Chr, www.dr-ursula-weber.de, 2002-.
4. Shahbazi, A. Shapur, 1985, "Studies in Sāsānian Prosopography II. The Relief of Ardašir II at Tāq- I Bustān", *AMI*, 18: 181- 185; *Ibid*, 1998, "Studies in Sasanian Prosopography: III Barm-I Dilak: Symbolism of Offering Flowers", *The Art and Archaeology of Ancient Persia*, ed. V. Sarkhosh, et al. I.B. Tauris, London, pp. 58-66.
5. Shahbazi, A. Shapur, 1983, "Studies in Sasanian Iconography I. Narse's Investiture at Naqš-I Rustam, *AMI* 16, 255- 268.
6. onomastics

در مورد منابع دوره مورد نظر، می‌توان گفت که به نسبت شواهد کتیبه‌نگاری^۱ از نوع کتیبه‌ها، سکه‌ها و تعداد اندکی مهر در دو سده نخست ساسانی، متون تاریخی ایرانی^۲ و غیر ایرانی^۳ کمتر به نام و مشخصات اشخاص توجه نشان داده‌اند. لیکن توضیحات آن‌ها درباره نحوه ارتباط میان افراد و نهادها منجر به شناساندن بستر سیاسی-اجتماعی جامعه و پیشبرد پروسوپوگرافی در مرحله گردآوری و تحلیل داده‌ها می‌شود. کتیبه‌های شاهان، به‌ویژه کتیبه سه‌زبانه شاپور یکم بر دیوار کعبه زردشت با ۱۳۷ نام و کتیبه دو زبانه نرسه در پایکولی با ۵۸ نام (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۳)، داده‌هایی از نوع ویژگی‌های شغلی، خاندانی و درباری شخصیت‌های نام‌برده ارائه کرده‌اند. در این مقاله نگارندگان تلاش نموده‌اند از شیوه‌های علمی رایج در نوشته‌های هم‌روزگار استفاده نموده و در متن مقاله، برای دو کتیبه پرکاربرد شاپور یکم بر دیوار کعبه زردشت از کوتاه‌نوشته (SKZ) و نرسه در پایکولی از (NPi) استفاده کنند. علاوه بر منابع نام‌برده، کتیبه‌های موجود در کنیسه یهودیان در دورا اروپوس که شامل ۱۶ دیوارنوشته با نام‌هایی از نظامیان و دیوانیان سده ۳م می‌شود (هویزه، ۱۳۸۹: ۱۳۹؛ Tafazzoli, 2000: 21)، همراه با منابع مادی چون نقوش برجسته ساسانی، زمینه شناسایی افراد را فراهم می‌آورند.

هدف این مقاله، شناساندن اهمیت و کارکرد روش پروسوپوگرافی به‌عنوان یک ابزار مناسب برای بررسی موضوعات رایج در تاریخ ساسانیان، از زمان اردشیر بابکان تا پایان دوره شاپور ذوالاکتاف است. از آنجاکه هرگونه توصیف و تبیین تاریخی در قالب دوره‌بندی معنا می‌یابد (حضرتی، ۱۴۰۱ الف: ۱۰۸)، پژوهش پیش رو با توجه به اهمیت موضوعات، محدودیت منابع این دوران و همچنین سازگاری پروسوپوگرافی با داده‌های اندک، دوران اولیه ساسانی را برگزیده تا با ایجاد چشم‌اندازهای جدید، زمینه ادامه آن را در سده‌های بعدی ساسانی فراهم آورد. سال‌هاست که این روش در مطالعه امپراتوری روم باستان به‌شکل گسترده‌ای انجام شده و نتایج آن در اختیار پژوهشگران تاریخ، علوم انسانی و علوم اجتماعی،

۱. کتیبه‌نگاری مترادف واژه اپیگرافی، علم مربوط به کتیبه‌ها [inscriptions]، است که از دو کلمه یونانی epi به معنای [روی] و graphie به معنای [نوشتن] گرفته شده و دلالت به مطالعه کتیبه‌ها یا نوشته‌های حکاکی شده بر مهر، مهرواره، ظرف، فلز، سفال، سنگ، چوب یا صدف دارد (Kovács, 2012: 77).

۲. منابع ادبی و کتبی دوره ساسانی شامل منابع مانوی، اوستایی، خدای‌نامه، آیین‌نامه، کارنامه، عهدنامه؛ متون فارسی میانه، از نوع متون دینی، غیردینی، فقهی و حقوقی؛ تاریخ‌های محلی و تواریخ اسلامی می‌شود (شهبازی، ۱۳۸۹: ۶۰).

۳. منابع ادبی غیرایرانی تواریخ کلاسیک از نوع یونانی، رومی، ارمنی، سریانی، اشارات پراکنده تلمودی و کتاب‌های یهودی، چینی هستند (همان: ۶۸-۶۱).

به‌ویژه در پژوهش‌های تطبیقی و میان‌رشته‌ای قرار گرفته است. اگرچه منابع رومی از نظر فراوانی دامنه بسیار گسترده‌تری دارند، پرسوپوگرافی دوره ساسانی نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه بستر مناسبی برای پژوهش‌های تطبیقی میان دو قدرت بزرگ ایران و روم را فراهم می‌آورد.

چیستی و چرایی روش پرسوپوگرافی

در میان علوم انسانی، پس از علم رجال، تاریخ بیشترین ارتباط را با اشخاص دارد (ملایی توانی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). پرسوپوگرافی روشی است که اساساً بر مبنای شناسایی افراد از منابع اولیه صورت می‌گیرد. واژه پرسوپوگرافی از ریشه یونانی «*prosôpôn-graphia*»، مرکب از «*prosopon*» [صورت/چهره] و «*graphy*» [توصیف]، در معانی وصف ویژگی‌های بیرونی یا مادی، چهره یا شخصیت فرد به کار می‌رود (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱؛ Koenraad, 2007, 36-37). پرسوپوگرافی که از سده ۱۶م به مطالعات اجتماعی وارد شده بود (Stone, 1971: 58-59)، در سده ۱۹م به صورت گسترده‌ای در قالب دو مکتب نخبه‌گرا و توده‌گرا در مطالعات تاریخی استفاده شد (Stone, 1971: 48; Koenraad, 2007: 42).

این روش به‌ویژه زمانی که دستیابی به اطلاعات خاص در مورد افراد دشوار باشد، با گردآوری نظام‌مند^۱ داده‌های زندگی‌نامه‌ای^۲ اعضای گروه، به بررسی شباهت‌های درونی و میانی آن‌ها می‌پردازد. در مطالعات اخیر، زمانی که افراد زنده نیستند و امکان مصاحبه با آن‌ها وجود ندارد، روش فوق به کار می‌آید (Coles, 2018: 86).

در این روش، پژوهشگر نخست به نسبت موضوع و پرسش بنیادین، دست به تعریف گروه هدف و تهیه فهرستی از اعضای آن می‌زند (Idem: 89-93). از آنجا که هرگونه انتخاب موضوعی، جغرافیایی یا زمانی، پیامدهای متفاوتی برای تفسیر داده‌ها دارد، مورخ می‌کوشد با مرزبندی آشکار و واقع‌بینانه گروه، در مورد این که چه کسانی، در کدام حوزه‌ها، با چه پیوندهایی شکل می‌گیرند، از ابهام و دوباره‌کاری جلوگیری نماید (Koenraad, 2007: 53). برای مثال، پژوهشگری که قصد تحقیق در مورد دیوان‌سالاری یا دستگاه دینی دو سده نخست ساسانی را دارد، نخست باید مشخص کند که در این دوره، دیوان‌سالار کیست؟ آیا مراد از دستگاه دینی فقط دین زردشتی است؟ اگر مورد مطالعه یا موضوع آن تعریف مشخصی ندارد، پژوهشگر می‌تواند تعریف تأسیسی ارائه دهد (حضرتی، ۱۳۹۷: ۱۵۴). مرحله دوم، تعیین پرسش‌ها یا معیارهایی است که مورخ را به بازجویی از زندگی‌نامه اعضای گروه در منابع

1. systematic
2. biography

وامی دارد. پاسخ‌گویی به پرسش‌های یکسان برای درک پدیده‌هایی فراتر از زندگی تک‌تک افراد یا حتی گروه به‌منزله یک فرد مرکب است؛ بنابراین شناخت اعضا و معیارهای پذیرش آن‌ها در گروه، سبب انسجام داده‌ها و بروز شباهت‌ها یا تفاوت‌ها می‌شود (Keats-Rohan, 2007a: 145-146).

در پروسوپوگرافی، گاه پژوهشگر برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها به «توصیف فربه» می‌پردازد. در واقع وی با چشم مسلح^۱ دست به کنکاش در گزارش‌های تاریخ‌نگارانه و غیر تاریخ‌نگارانه معرفتی و غیرمعرفتی می‌زند تا داده‌های خام منابع تاریخی را به داده‌های معتبر، شواهد آزمون‌شده و قابل استفاده تبدیل نماید (حضرتی، ۱۴۰۱: ۱۱۹). سپس اگر پژوهشگر متمایل به بحث‌های نظری و تحلیل فرایندهای تاریخی، قشربندی‌های اجتماعی، تحرکات اجتماعی و عملکرد نهادها باشد، ضمن بررسی نظریه‌ها، به تحلیل موضوعات و نتیجه‌گیری می‌پردازد (Coles and Netting, 2018: p. 86). نمونه پروسوپوگرافی موضوعی همراه با تحلیل را شهبازی انجام داده است. از آنجاکه می‌توان این روش را بدون دانستن نام (Keats-Rohan, K.S., 2007b: 8) و صرفاً به اتکای داده‌های باستان‌شناسی پیش برد (Koenraad, 2007: 51)، مقاله‌های شهبازی نمونه‌های مناسبی برای معرفی روش هستند.

۱. اهمیت روش پروسوپوگرافی (پیشینه‌نگاری) در مطالعات تاریخ ساسانی (از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف)

در یک پژوهش تاریخی، همیشه باید از نتیجه‌گیری موارد منفرد و تعمیم آن به کل موارد دوری کرد. به همین دلیل شایسته است مورخ در کنار نمونه‌ها یا شخصیت‌هایی که در راستای موضوع یا نظریه پژوهش قرار دارند، به نمونه‌های غیرهم‌خوان هم توجه نماید (Koenraad, 2007: 36). پروسوپوگرافی شرح حال فرد را به عنوان عضوی از اعضای گروه، با تاریخ ساختارها ترکیب می‌کند (Ankoud, 2020: 70) تا به رفتار و انگیزه‌های فرد در گروه پی برده و رویکردهای مشابه و متفاوت وی را نسبت به پدیده‌ها و رخدادها بسنجد. در این راستا، عناصر مادی به توصیف فرد و عناصر معنوی به شناخت شخصیت وی می‌انجامد (Koenraad, 2007: 39). به وسیله پروسوپوگرافی می‌توان به گروه‌های مختلف طبقاتی یا شغلی دربار ساسانی، خاستگاه، امتیازات و خویشکاری آن‌ها در مقایسه با هم‌گروهی‌ها یا گروه‌های

۱. مراد از چشم مسلح برخورداری مستقیم و غیرمستقیم از مهارت‌های متن‌خوانی، گاه‌شماری، ماده تاریخ، زبان‌دانی، سندخوانی، خط‌شناسی، کتیبه‌خوانی و دیگر روش‌هایی است که به فهم فراگیر منابع تاریخی می‌انجامد (حضرتی، ۱۴۰۱: ۱۲۰).

مشابه پی برد.

مطالعات پروسوپوگرافی نه تنها با تاریخ سیاسی و سلسله‌ای، بلکه با تاریخ اجتماعی، مذهبی، اداری و اقتصادی سازگار است. بسته به رویکرد سیاسی یا اجتماعی، دو نوع مکتب پروسوپوگرافی نخبه‌گرا و توده‌گرا شکل می‌گیرد و هر کدام نیز به نسبت موضوع و نوع افراد، بر اندازه جامعه آماری مورد مطالعه تأثیر می‌گذارد (Stone, 1971: 47; Keats-Rohan.,). هرچه از مکتب نخبه‌گرا دور شده و در نردبان اجتماعی پایین‌تر می‌رویم، مرزها مبهم‌تر و تعداد اعضا بیشتر می‌شود (Koenraad, 2007: 45). باتوجه‌به اینکه موتور محرکه تاریخ ایران امور سیاسی بوده که در سایه نظام‌های سیاسی، سایر امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را هدایت می‌نموده است (حضرتی، ۱۴۰۱ الف: ۱۱۲)، کارکرد مکتب نخبه‌گرا چشمگیرتر است. مطالعه دو سده نخست ساسانی که شخصیت‌های آن درباریان، وابستگان دیوانی، نظامی، دارندگان عناوین افتخاری و اعضای دستگاه دینی، هستند، بیشتر با مکتب نخبه‌گرا و جوامع آماری کوچک سازگاری دارد. پژوهشگرانی که پروسوپوگرافی را مناسب شناخت جوهره قدرت می‌دانند، از این روش برای درک پیوند میان اعضای گروه هدف، با قدرت سیاسی حاکم استفاده می‌کنند (Carter, 1984: 14-15).

۲. کارکرد روش پروسوپوگرافی (پیشینه‌نگاری) در مطالعات تاریخ ساسانی (از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف)

در دو سده نخست ساسانی که با شناوربودن موقعیت‌ها و مشاغل درباری مواجهیم، کار پژوهشگر به دلیل هم‌پوشانی گروه‌ها دشوارتر می‌شود. برای مثال، بررسی دیوان‌سالاران ساسانی سده ۳ و ۴م، پژوهشگر را به کاوش در میان دین‌مردان و نظامیانی وامی‌دارد که به کار دیوانی پرداخته‌اند. به استناد تحقیقات نصراله‌زاده از متن پراکنده پتروس پاتریکیوس^۱ که در این قسمت هم دچار افتادگی است، یکی از همراهان نرسه هنگام پذیرفتن نماینده روم، برسابورسس^۲ ارگبد، حاکم شهر سومیوس و دبیربد بوده است (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۸؛ شایگان، ۱۳۷۸: ۲۸۸). در چنین شرایطی، پژوهشگر دایره پرسش‌های تحقیق را معین و محدود می‌کند تا نتایج دقیق‌تری به دست آورد. برای نمونه، کارتر در راستای پروسوپوگرافی صاحبان قدرت، با طرح ۳۳ پرسش گروه هدف را مشخص و محدود کرده است (Carter, 1984: 16-17).

1. Petrus Patricius
2. Barsaborsēs

الف. کارکرد پرسوپوگرافی در ارتباط با نام افراد و شخصیت تاریخی آنها

با وجود اهمیت نام‌ها به دلیل شیوه‌های نام‌گذاری و کارکردهای تبلیغاتی و آموزشی، برخی مورخان بدون توجه به کشف و کاربست آنها با مدرن‌سازی، بومی‌سازی یا ترجمه نام‌های قدیمی، این شواهد تاریخی را غیرقابل قبول می‌سازند (Wilson, 1998: X; Keats-Rohan., 2007a:152). در مورد دو سده نخست ساسانی، علاوه بر کمبود و تحریف نام‌ها، هم‌خوان نبودن منابع متنی با منابع مادی، شناسایی نام‌ها را دشوار ساخته است. بسیاری از نام‌های موجود در ŠKZ، در منابع متنی نیستند. گاه متون تاریخی به جای ارجاع به نام افراد، آنها را با منصب یا لقب خوانده‌اند. در شرایطی که نام‌ها تنها شواهد موجود هستند، پژوهشگر به کمک ریشه‌شناسی آنها، به ویژگی‌هایی مثل قومیت یا دین پی می‌برد (Parnell, 2012: 7). ریشه‌شناسی نام به‌عنوان یک بخش مهم در پرسوپوگرافی نیازمند مطالعات تاریخی و زبان‌شناسی است؛ زیرا نام‌ها علاوه بر متمایز کردن افراد، موجب فراخواندن فرد به نظم و هویت اجتماعی می‌شود (Alford, 1988: xii, 52; Keats-Rohan, 2007a: 10).

ریشه‌شناسی پیوندهای خانوادگی^۱ و اجتماعی شخصیت‌های تاریخی در سده‌های ۳ و ۴ م، نشان می‌دهد که هویت افراد در نحوه ارتباط، وظایف و امتیازات ایشان نقش داشته است. چنان‌که از ŠKZ پیداست، بررسی تعلقات افراد به خانواده، خاندان، طبقه و کشور، سلسله‌مراتبی از هویت‌های خانوادگی تا ایران‌شهری، را ایجاد می‌نمود. علاوه بر فهرست‌های دربار بایک، اردشیر و شاپور یکم که برای جداسازی یا طبقه‌بندی درباریان تشکیل شده، شاپور در نام‌بردن از اعضای خانواده، وابستگان و صاحبان مناصب، سلسله‌مراتب هویت خانوادگی، خاندانی، شغلی را رعایت نموده تا جایگاه هر فرد در گروه، مشخص شود.

فرایند نام‌گذاری می‌تواند سه گروه از افراد شامل نام‌گذاران، دارندگان و مخاطبان نام را بسته به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه درگیر کند (Keats-Rohan., 2007: 152)؛ از این رو، نام‌ها شاخصه تغییر، تداوم، بازگشت به اصول پیشینیان، یا دوگانگی فرهنگی دوره‌های گذار هستند. علاوه بر تغییر نام هنگام دریافت لقب، بلوغ، ازدواج، فرزنددار شدن (Alford, 1988: 14, 16, 44, 74, 90-94)، استفاده از نام‌های مخفی، نام‌های مشترک بین زنان و مردان، و نام‌های مشترک با پیشینیان همانطور که در دوران جمهوری و اوایل امپراتوری روم معنادار بود (Wilson, 1998: 18)، در دوره پژوهش پیش رو نیز با موضوعانی چون هویت گره خورده است. پژوهشگر پرسوپوگرافی ضمن برخورداری از داده‌هایی چون نام و اطلاعات پیرامون آن، می‌تواند با در نظر داشتن رویدادهای زندگی، به زمینه‌های فکری و اجتماعی آن

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۳۰۳

دوران پی ببرد. پروسوپوگرافی چهره‌های موجود در نقش برجسته اردشیر دوم در طاق‌بستان، نشان داد که شاهان ساسانی از نزدیک‌ترین شاه پیشین هم‌نامشان الگو می‌گرفتند (Shahbazi, 1985: 183).

به نظر می‌رسد که رسم هم‌نام نمودن پسر با پدر یا پدربزرگ که در SKZ دیده می‌شود، علاوه بر اینکه نماد انتقال ویژگی‌های هویتی یک فرد به دیگری بوده، نوعی به‌رسمیت شناختن جایگاه و موقعیت افراد هم می‌باشد. در نقش برجسته اردشیر دوم در طاق‌بستان، شاپور دوم برادرش را نفر دوم در حکومت و جانشین خود می‌خواند. به همین دلیل از وی پیمان می‌گیرد که پادشاهی را پس از خود به شاپور سوم بسپارد (Shahbazi, 1985: 184). نمونه متنی آن را در تاریخ‌ارمنیان می‌بینیم. در این متن، اردشیر به دلآوری که خسرو، شاه ارمنستان، را از میان بردارد، وعده می‌دهد که به‌عنوان نفر دوم در حکومت، بر سر او تاج بگذارد (آگاتانگوس، ۱۳۹۷: ۴۰). پروسوپوگرافی با پرداختن به ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد و طبقه‌بندی داده‌ها، نظر پژوهشگر را به شباهت یا تفاوت‌ها جلب می‌نماید.

ب. کارکرد پروسوپوگرافی در مطالعات زنان ساسانی

از اواخر دهه ۱۹۷۰، که علاقه به مطالعات منطقه‌ای و جنسیتی افزایش یافت، آثار بسیاری در مورد نخبگان محلی منتشر شد (Horster, 2007: 236). در سده‌های اخیر فمینیست‌ها از طریق مطالعات جمعی و با استفاده از دو روش تاریخ شفاهی در بررسی افراد زنده و پروسوپوگرافی در مطالعه افراد درگذشته، به بررسی ویژگی‌های زنان در تاریخ پرداختند (Coles and Netting, 2018: 85). آن‌ها گاه به پروسوپوگرافی مطالعات زنان نه به‌عنوان روش، بلکه به‌عنوان یک رویکرد نگاه کردند (Idem: p. 86). پیداست که در میان نخبگان باستان، حضور زنان کم‌رنگ‌تر بوده، زیرا همان‌طور که در میان دویست هزار کتیبه لاتین کلاسیک، هفتاد تا هشتاد نام زنانه دیده می‌شود (Wilson, 1998: 15)، در میان ۱۳۷ نام در SKZ، فقط نام ۱۶ بانو وجود دارد (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۳). به غیر از چهره‌های برجسته‌ای مثل ملکه‌ملکه‌ها دینک^۱ که احتمالاً صاحب مهر موزه ارمنی‌ناژ است (Shahbazi, 1988: 63)، آدورآناهد، دختر شاپور یکم، نیز با توجه به موقعیتش در SKZ، می‌تواند رئیس زنان دربار باشد (Brosius, 2000). تصویر خورانزیم^۲ همسر شاپور یکم بر روی چندین مهر، نیز بازتابی از انجام معاملات و امور رسمی است (Brosius, 2000).

تا مدت‌ها داده‌های موجود در مورد زنان ساسانی، به ایزدبانو آناهیتا نسبت داده می‌شد.

1. Dēnag ī bāmbišn bāmbišnān mahist pad tan šābestān

2. Xwar(r)ānzēm

به تدریج برخی پژوهشگران دریافته‌اند که شواهد موجود با آناهیتا و موقعیت ایزدی او هم‌خوانی ندارد و از روی سکه‌های موجود، مدل مو، لباس و تاج، شخصیت‌ها را شناسایی نمودند. برای نمونه شهبازی از طریق پروسوپوگرافی، نشان داد تصویر زنی که در نقش برجسته برم‌دلک حک شده شاپوردختک، دختر شاپور میشان‌شاه و همسر بهرام دوم است که نامش در ŠKZ آمده است (Shahbazi, 1988: 63). نقش وی بر سه نوع سکه بهرام دوم و ظرفی نقره‌ای حک شده است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۵۲). وی به کمک همین روش تصویر شاپوردختک (دوم)، ملکه سکاها، همسر نرسه و دختر شاپور یکم را در نقش برجسته تاج‌بخشی نرسه در نقش رستم شناسایی نمود (Idem, 1983: 266-267) و نقش سیاسی او را به‌ویژه به استناد تاج کنگره‌دار او، نوعی مشارکت در پادشاهی با همسرش، نرسه خواند.

شهبازی یکی از دلایل حمایت نجبا از نرسه بعد از بهرام دوم را وجود شاپوردختک می‌داند. مقالات پروسوپوگرافی شهبازی به استناد منابع متنی و مادی قابلیت تکرار دارند. برای نمونه، پیداست که حضور نوازندگان زن در نقوش برجسته و تصاویر آنان بر ظروف درباری، دلالت بر مشاغل رسمی آن‌ها دارد (بروسیوس، ۱۳۹۶: ۲۳۰-۲۲۹). اگرچه بسیاری از این ظروف مربوط به دوره‌های بعدی ساسانی است، به استناد منابع تاریخی، می‌دانیم که نغمه‌گران و نوازندگان از طبقات و مناصب تعریف‌شده در دربار اردشیر بابکان بودند و این سنت پس از وی هم ادامه یافت (شهبازی، ۱۳۹۸: ۲۸). همراهی منابع متنی و مادی در مورد برخی از این زنان، امکان مطالعات پروسوپوگرافی به شیوه شهبازی را فراهم می‌آورد.

پ. کارکرد پروسوپوگرافی در شناخت خاندان‌های بزرگ اشکانی و نحوه ارتباط آن‌ها با دربار

یکی از ویژگی‌های مهم در مورد شخصیت‌های این دوره، پیوندهای خونی، پیشینه خانوادگی و خاندانی افراد است (Perikhanian, 1983: 641). حفظ پیوندهای درون خاندانی از طریق ازدواج، توارث، سرپرستی، مالکیت موجب تقویت منابع مالی، موقعیت‌های شغلی و افتخارات خاندان‌ها می‌شود. در رویکرد سیاسی پروسوپوگرافی، به نسبت رویکرد اجتماعی، کشف پیوندهای خانوادگی مهم‌تر است (Carney, 1973: 156)؛ زیرا رویکرد سیاسی به دنبال افشای کنش‌های سیاسی، تحلیل پیوندهای اجتماعی و اقتصادی گروه‌های سیاسی، عملکرد دستگاه‌های حکومتی و شناسایی کسانی است که اغلب آشکارا یا نهان، قدرت خود را وام‌دار گروه، حزب یا خاندان خود هستند. ساسانیان به اتکای مشروعیت و حق شهریاری، در یک ساختار هم‌پیمانی با خاندان‌ها و نیروهای شهری که متناسب با شرایط داخلی و خارجی دولت، تغییر بازی و رویکرد می‌دادند، تعادل و تعامل اجتماعی طبقات و خاندان‌ها را با نیروهای مولد

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۳۰۵

چون بازرگانان و دبیران برقرار می‌ساختند (زرین‌کوب و مسگر، ۱۴۰۰: ۹۵). در دو سده نخست ساسانی، خاندان‌ها از یک طرف هویت و موقعیت خود را متزلزل می‌دیدند و از طرف دیگر برای ایجاد یک حکومت یکپارچه و متمرکز، شاهنشاهی ساسانی را به رسمیت شناخته و در حفظ آن می‌کوشیدند. هرچند فراوانی نام‌های صاحب‌منصبان خاندان‌های اشکانی در ŠKZ و اشاره به ترکیب «پارس و ماد» در NPi و کتیبه ابنون، به‌جای واژه ایران‌شهر، دلالت بر قدرت خاندان‌ها دارد، تلاش ساسانیان در واگذارنمودن اداره استان‌ها به شاهزادگان ساسانی (شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۸۹)، ساخت شهرهای شاهی، ایجاد حاکمیت بی‌واسطه بر آن‌ها (Pourshariati, 2008: 41)، می‌تواند نشانه کشمکش قدرت‌ها، اقدامات تدافعی دربار و تمرکزگرایی حکومت باشد.

با افول اشکانیان در ایران، ارمنستان به‌عنوان یک شهربانی مرزی میان ایران و روم، تبدیل به کانون فعالیت‌های ضد ساسانی شد (زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۴۷۰) و روابط خاندان‌های شاهی ساسانی و ارشکانی با خاندان‌های اشکانی ایران و ارمنستان را دچار ناپایداری نمود. هم‌دستی سرخدایان، ناخارارها و نافدها با اردشیر ساسانی تا آنجا بود که خسرو شاه ارمنستان و هم‌پیمان سرسخت اشکانیان به توطئه آنان (سورن اشکانی و پدر گریگور مسیحی)، کشته شد (آگاتانگوس، ۱۳۹۷: ۴۰ و ۳۷).

در حال، رؤسای خاندان‌ها که در دو کتیبه شاپور در حاجی‌آباد و تنگ‌بلاق، از آن‌ها به‌عنوان بزرگان یاد شده (هویزه، ۱۳۸۹: ۱۳۴)، تلاش می‌نمودند اموال و امتیازات موروثی خود را در قبال هم‌پیمانی با خاندان ساسانی حفظ نمایند. شناخت مستقل و پرسوپوگرافیک شخصیت‌های منسوب به خاندان‌ها در دوره مورد نظر، علاوه بر پیوستگی ساختارهای سیاسی و اجتماعی هر دو سرزمین، چگونگی و چرایی ناپایداری روابط و روش‌های یارگیری هر دو حکومت را از میان افراد آشکار می‌سازد.

ت. کارکرد پرسوپوگرافی در بررسی دیوان‌سالاری ساسانی

از آنجا که پرداختن به دیوان‌سالاران رکن اساسی بررسی یک دستگاه اداری است، انتخاب روش پرسوپوگرافی در سده‌های اخیر همراه با تغییر رویکرد مورخان به موضوعات سیاسی و اداری (Horster, 2007: 233)، تحقیق گسترده‌ای، چون پرسوپوگرافی امپراتوری روم (PIR)^۱ را رقم زد. این پژوهش با کشف شبکه‌های خانوادگی نخبگان سیاسی و اجتماعی، موجب پیدایش بینش تاریخی متفاوتی در زمینه‌های تاریخ مدیریت، مؤسسات و دیوان‌ها (سناتورها، شوالیه‌ها)

در دستگاه اداری امپراتوری روم شد. اگرچه منابع رومی از نظر فراوانی با منابع ساسانی متفاوت هستند، مقایسه دیوان‌سالاری دوران اولیه ساسانی نه تنها با جهان رومی (Koenraad, 2007: 45; Kovács, 2012: 77-91)، بلکه با دوران‌های قبل و بعد خود ضروری است.

ساسانیان در دوران گذار و در شرایط دگرگونی ساختار شهریاری اشکانی به ساسانی، نماد وحدت نیروها و برقرارکننده تعادل و تعامل بین خاندان‌های اشکانی بودند (زرین کوب و مسگر، ۱۴۰۰: ۹۳)؛ بنابراین دیوان‌سالاری این دوران با مسئولیت‌ها و امتیازات خاندان‌هایی که به دلیل پیشینه طولانی، نقش پررنگی در روابط داخلی و خارجی داشتند، گره خورده است (Shahbazi, 2005). با توجه به این که شاهنشاهی ساسانی در سده‌های ۳ و ۴ م، ناپایداری‌های دوران گذار را به شکوفایی و یکپارچگی رساند، بررسی دیوان‌سالاری و تحول آن از منظر دیوان‌سالاران می‌تواند زمینه‌های پیشرفت دیوانی و اداری را نشان دهد. از مقایسه اندازه‌دربار اردشیر بابکان با شاپور یکم، می‌توان به گسترش آن در همان دوران اولیه شاهنشاهی پی برد. شاپور برای متمرکز نمودن دستگاه سیاسی نیازمند همکاری شهرداران (شاهان محلی)، واسپوهران (شاهزاده از تبار سلطنتی)، وزرگان (نجبا) و آزادان (نجبای خرد) و دیوان‌سالارانی چون بیدخش (وزیر)، فرمادار (مباشر املاک سلطنتی)، هزاربد (فرمانده گارد سلطنتی)، دبیر، گنجور، دادور، وازاربد بود (دریایی، ۱۳۹۸: ۲۲۷).

شناسایی دیوان‌سالاران در میان کتیبه‌نگاری‌ها، متون پهلوی، تاریخ‌نگاری ایرانی و غیرایرانی و بررسی موضوعاتی چون آموزش دبیران، کارکرد دبیرستان‌ها، نشانه‌های شغلی و امتیازات دیوانی افراد از لباس تا معافیت مالیاتی (Tafazzoli, 2000: 26-27)، به پژوهشگر کمک می‌کند که به دور از دیدگاه‌های سنتی و مدرن دیوان‌سالاری غربی، دستگاه اداری دو سده نخست ساسانی را در بستر اجتماعی و تاریخی خودش بازشناسد. دیوان‌سالاری تابعی از وسعت قلمرو، قدرت حکومت مرکزی، الزامات تاریخی و ساختاری حکومت‌ها است (Kamenka, 1989: 73-74). پرسوپوگرافی به پژوهشگر دیوان‌سالاری امکان می‌دهد که ضمن نشان دادن تأثیر دیدگاه‌های نوین بر موضوعات تاریخی، میزان سوگیری تاریخ‌نگاری‌های سده‌های بعد از دوران مورد مطالعه را دریابد. برای نمونه، اگرچه تواریخ اسلامی به دلیل میراث ساسانی دیوان‌سالاری عباسی، نمایی از دوره موردنظر است، تأثیرات اواخر دوران باستان، دیوان‌سالاری اسلامی و شرق، باید شناخته و تفکیک شود (دریایی، ۱۳۹۸: ۱۳۲; Bosworth, 1995: 433).

ث. کارکرد پروسوپوگرافی در بررسی سازمان دینی ساسانی

در پروسوپوگرافی که تمرکز بر ویژگی‌های بیرونی و قابل مشاهده افراد است، باورها و عواطف مثل صدقه یا وقف، معیار سنجش نیستند (Koenraad, 2007: 65-66). پس پیوند هر کدام از دین‌مردان با بدنه دستگاه دین باید مشخص شود. عرفا، توده مردم یا باورمندان به دین تا زمانی که از نظر اقتصادی، شغلی و اعتباری منافع عینی ندارند، عضو رسمی دستگاه دینی نیستند. مانی که یک پیامبر جهان‌گرا و دنیاگریز بود، موفق به تشکیل سازمان رسمی با پشتوانه اجرایی نشد، ولی روحانیت زردشتی در اواخر سده ۳م، با اقدامات اصول‌گرایی و ملی‌گرایی کردیر به دستگاه دینی تبدیل شد (Perikhanian, 1983: 632؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۴۸۸) و توانست به مشاغل دیوانی، جذب منابع مالی و موقوفات، تعیین بودجه و مستمری، نشاندن آتش و سرپرستی آتشکده‌ها ورود کند (همان: ۴۸۲).

در همان زمان، در ارمنستان گریگور با تمام قدرت و سابقه دینی و درباری تا زمانی که نزد اسقف شهر سزاریا در کاپادوکیه به مقام اسقفی نرسید، دست به اقدامات رسمی چون انجام برخی آیین‌ها، بنیان‌نهادن کلیسا، ایجاد منابع مالی، تخریب معابد ایزدان و آتشکده‌های ارمنستان نزد (آگاتانگوس، ۱۳۹۷: ۱۳۶ و ۱۴۵). رسمی شدن مسیحیت در ارمنستان و روم تشکیلات سلسله‌مراتبی گسترده‌ای را به وجود آورد که برای نهاد دین زردشتی رقیب و برای دستگاه دین مسیحی ایران الگو بود. در سده ۴م، جوامع مذهبی به دست موبدان زردشتی، ربی‌های یهودی و روحانیت مسیحی قوام یافتند (دریایی، ۱۳۹۸: ۲۳۱).

تلاش‌های موبدان موبد عصر شاپور ذوالاکتاف، آذرباد مهرسپندان، نهاد دین زردشتی را هم‌پایه نهاد دولت کرد و با تفکیک وظایف، رعایت سلسله‌مراتب، تشکیلات متمرکز و بودجه مشخص به آن ساختاری دیوان‌سالارانه بخشید (زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۵۱۵). به مرور قدرت مالی و اجرایی نهاد دین زردشتی سبب شد که شاخه‌های فرعی نهاد دینی در رقابت با حوزه‌های دولتی، کارایی و رسمیت بیشتری یافته و به بخش‌های تصمیم‌گیری و اجرایی دولت راه یابند. پژوهشگر دو سده نخست ساسانی می‌تواند به وسیله پروسوپوگرافی شخصیت‌های دینی، از منظر بازیگران این عرصه، به موضوع پیدایش و گسترش فعالیت‌های اصلی و فرعی نهاد دین زردشتی و سازمان دین مسیحی بپردازد.

با آشکار شدن حوزه‌های رفتاری، تکالیف و امتیازات دین‌مردان در هر یک از تشکیلات دینی، زمینه مقایسه ادیان و شناخت میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر فراهم می‌شود. برای نمونه، در زمان شاپور ذوالاکتاف فعالیت اسقف‌د شمعون برصبعی در حوزه گردآوری مالیات مسیحیان موجب تیرگی روابط وی با شاه و اعدام وی شد. در سایه یک مطالعه

پروسوپوگرافی، می‌توان روند تعامل دربار ساسانی در سده‌های ۳ و ۴ م را با دستگاه دین مسیحی از نخستین اسقف که در زمان شاپور یکم، هم‌زمان با کوچ مسیحیان به ایران وارد شد تا زمان شهادتی چون شمعون را بررسی نمود. در چنین مطالعه‌ای پژوهشگر ضمن گردآوری کلیه داده‌های موجود در منابع، ثبت تعداد و نوع آن‌ها، به تحلیل رخدادها و ریشه‌یابی دیدگاه‌های معاصر و تاریخ‌نگاری سده‌های بعد می‌پردازد. پیداست که هر چه دایره گروه‌های فرعی در دستگاه‌های دینی محدودتر شود، گروه‌های هدف هم کوچک‌تر می‌شوند؛ برای مثال، وقتی صحبت از اعضای گروه فرعی حقوقی در نهاد دینی است، دیگر مشاغل دینی چون اندرزبد، آیین‌بد، پشتیان درویشان و دبیران کنار می‌روند.

ج. کارکرد پروسوپوگرافی در بررسی تشکیلات نظامی ساسانی

باتوجه به سیاسی‌بودن تاریخ در گذشته و نقش نظامیان در دوام و بقای حکومت، بررسی طبقه ارتشتاران به روش پروسوپوگرافی منجر به شناخت گسترده‌تری از تاریخ سیاسی ساسانی می‌شود. اهمیت این طبقه در دوره موردنظر، از امتیازات، لباس و پاداش‌های آنان (Tafazzoli, 2000: 1) و انتصابشان به مشاغل اداری و دیوانی پیداست. اعطای مناصب درباری به سواره‌نظام رومی (equestrian) در تاریخ روم (Eck, 2000: 239) و طبقه اشرافی آزادان āzātān در ایران که جایگزین گروه ارتشتاران اوستایی شده بودند (Perikhanian, 1983: 632)، همچنین نظامیان غیراشرافی به نام اسواران asaḅarān که سواره‌نظام ثابت ساسانی و هم‌رتبه شوالیه قرون وسطی بودند (شهبازی، ۱۳۷۳: ۱۲۸۹)، دلیل بر اهمیت نظامی‌گری برای صاحبان مناصب درباری و دیوانی است. علاوه بر امور نظامی مثل نگهداری مرزها، سالار لشکر (اسپهد) فرمانده گارد (هزاربد)، فرمانده دژ (ارگبد)، فرماندار قلعه (درید)، حفاظت از دربار شاهی (پشتیانان)، کنترل و توزیع ادوات نظامی و آموزش نظامی رده‌های مختلف سپاه، وظایفی چون تهیه، نگهداری و توزیع غلات و ارزاق (بازاربد)، گماشته‌بودن (هام‌هرز) هم توسط نظامیان انجام می‌شد. پروسوپوگرافی نظامیان می‌تواند میزان و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها را در ساختارهای کشوری و لشکری آشکار نماید.

با وجود دیوان سپاه، تشکیلات نظامی ساسانی زیر نظر شخص شاهنشاه قرار داشت. پادشاهان ساسانی که از طبقه ارتشتاران بودند، (Shahbazi, 1986)، صاحب‌منصبانی چون کنارنگ، مرزبان و سپاهبدان را خود برمی‌گزید. اهمیت نظامیان و جنگ‌ها را می‌توان از فراوانی برابرنهاده‌های موجود برای واژه‌های سپاه (Tafazzoli, 2000: 4-6) و جنگ (Ibid: 16-17)

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۳۰۹

دریافت. در منابع غیرایرانی به داده‌هایی چون نام، پیشینه، علایق و پیوندهای دینی، خاندانی و شغلی نظامیان ایرانی برمی‌خوریم. پاستوس در جریان یک دوره از جنگ‌های شاپور ذوالاکتاف و آرشاک، نام ۲۱ فرمانده نظامی ایران را آورده که در میان آن‌ها به بزرگان خاندان‌های ارمنی، خویشاوندان آرشاک و برخی از دیوان‌سالاران ساسانی برمی‌خوریم (پاستوس بوزند، ۱۳۹۷: ۲۰۷-۱۹۰). او همچنین به دین‌مردان ارمنی بزرگی اشاره نموده که با وجود منع دینی، کار نظامی کرده (همان: ۱۱۴) یا لباس نظامی را برگزیده‌اند (همان: ۳۱۳-۳۱۲).

ضرورت پرسوپوگرافی نظامیان ساسانی، در واقع ضرورت مطالعه افراد به‌جای کل واحد نظامی است. با توجه به این که پرسوپوگرافی قابلیت این را دارد که گروه هدف را از اعضای غیرانسانی تشکیل دهد، می‌توان این روش را برای بررسی جنگ‌های یک دوره یا منطقه در نظر گرفت. انجام چنین پژوهشی در دو سده نخست ساسانی، با مرکزیت جنگ‌های ایران در جبهه غربی، امکان بررسی روابط نظامی ایران با همسایگان را فراهم می‌آورد.

۳. محدودیت‌های روش پرسوپوگرافی (پیشینه‌نگاری) در مطالعات تاریخ ساسانی (از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف)

الف. مشکلات ناشی از ناشناخته‌بودن روش پرسوپوگرافی در مطالعات ساسانی

انجام هر پژوهش تاریخی دشواری‌هایی دارد، به‌ویژه اگر روش آن شناخته شده نباشد. بیشتر پرسوپوگرافی را مناسب تحقیقات پرشمار آماری می‌دانند (Carney, 1973: 158) که با محدودیت منابع و رویکرد شاهانه تاریخ ساسانی، ناهم‌خوان است. چنانچه دیدیم پرسوپوگرافی به نسبت موضوع و انتخاب پژوهشگر، قابلیت بررسی از تک‌موردی تا گروه‌های پرشمار را دارد. موضوع دیگر این که تصور می‌شود این روش چیزی شبیه به توصیف فربه مدخل‌های گروه است. باید گفت نه تنها توصیف فربه منافاتی با نظریه‌آزمایی و بهره‌برداری از نظریات ندارد (حضرتی، ۱۴۰۱ ب: ۱۲۶)، بلکه اصولاً پرسوپوگرافی راه را برای تحلیل موضوع در پژوهش‌های تاریخی و مطالعات میان‌رشته‌ای^۱ می‌گشاید.

پیدااست در شرایطی که روش تحقیق برای مخاطبان آشنا نیست، بخشی از انرژی و زمان پژوهشگر صرف شناساندن روش می‌گردد. در واقع پژوهشگر ضمن آموزش روش، باید کارکرد، دلیل انتخاب و مراحل انجام آن را بازگو کند (Coles., 2018: 88). پژوهش موضوعی

۱. مطالعات میان‌رشته‌ای شراکت دو یا چند رشته تخصصی به‌گونه‌ای است که یافته‌های هر کدام در پیشبرد دیگری مؤثر بوده و به شناخت جدیدی از موضوعات بینجامد (عباسی و ملک‌شاهی، ۱۴۰۱: ۱۸۷).

دوره مورد نظر بیش از پژوهش‌های دوره‌ای که تاکنون انجام شده، نیازمند نگاه روش‌شناختی به پروسوپوگرافی و آموزش‌هایی است که کار تیمی، استفاده از رایانه و نرم‌افزار را شامل می‌شود.

ب. مشکلات ناشی از منابع ساسانی

تصمیم‌گیری برای انجام پروسوپوگرافی، به اهداف تحقیق و منابع موجود بستگی دارد. این روش تا اندازه‌ای با کمبود منابع هم‌خوانی دارد که پژوهشگر بتواند مشخص کند، کدام شرح‌حال‌ها عمومی و قابل تعمیم هستند و کدام‌ها نیستند (Koenraad, 2007: 60). بدون اطلاعات ضروری، یک مورخ نمی‌تواند بگوید که چه ویژگی‌هایی برای گروه هدف، معمولی یا خاص هستند؟ برخلاف منابع امپراتوری روم که مناصب درجه پایین در سده‌های ۲ و ۳ م را با پیشوند «sub» مشخص می‌کند (Eck, 2000: 249)، در دوره نخست ساسانی، فقط می‌توان بزرگان طبقات و مناصب را با پسوند «بد» شناخت و اشاره به طبقات پایین بسیار کم است؛ بنابراین با توجه به محدودیت و نوع مدخل‌ها، مطالعه دوره مورد نظر فقط با مکتب نخبه‌گرا هم‌خوانی دارد و مناسب رویکرد اجتماعی و مکتب توده‌گرا نیست.

از طرف دیگر، طبیعت منابع گاه به گونه‌ای است که استفاده و تفسیر داده‌ها را موقوف به مطالعات تخصصی باستان‌شناسی، سکه‌شناسی و زبان‌شناسی، می‌نماید (Koenraad, 2007: 54). برای مثال مورخی که به اتکای نظرات زبان‌شناسان، سال‌ها زرمند دخت، دختر شاپور دوم، را زروان دخت خوانده (پاوستوس بوزند، ۱۳۹۷: ۳۱۰) و رأی به زروانی بودن شاپور داده است، با خوانش جدید این نام، به نظریه رایج زروان‌باوری در دربار شاپور شک می‌کند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۰۴).

پ. احتمال بروز خطا در تفسیر داده‌ها

بروز تعمیم‌های ناروا یکی از چالش‌های روش‌شناختی پروسوپوگرافی است که در زمان تحلیل رخ می‌دهد. پروسوپوگرافی به کمک استدلال استقرایی (مولایی توانی، ۱۳۸۶: ۱۷۰؛ محمدپور، ۱۳۹۷: ۹۲-۹۰) به مدخل‌های پژوهش از سمت داده‌های موجود در منابع تاریخی می‌نگرد و از استدلال قیاسی^۱ که مبتنی بر چهارچوب نظری است، دوری می‌گزیند. حرکت از سمت قضایای واحد (داده) به سمت قضایای کلی (نظریه) مشکل بن‌بست نظریه‌ای را حل می‌کند؛ ولی مشکل تعمیم که در ذات پارادایم استقرا است، همچنان باقی می‌ماند. بروز تعمیم‌های ناروا

۱. استدلال قیاسی از سمت قضایای کلی (نظریه‌ها) به سمت قضایای واحد (داده‌ها) می‌رود (محمدپور، ۱۳۹۷: ۹۲).

در پروسوپوگرافی «عدد تاریک» خوانده می‌شود.

این پدیده در نتیجه بازنمایی داده‌های پررنگ در مقایسه با داده‌های کمیاب آشکار می‌شود (Koenraad, 2007: 58). پارادایم استقرا در پروسوپوگرافی سبب می‌شود مورخ داده‌ها را گردآوری و سازماندهی کند، ولی در مرحله تحلیل که رابطه مورخ با شواهد تاریخی ضعیف می‌شود، دست به الگوسازی بزند (محمدپور، ۱۳۹۷: ۹۷)، راهکاری که می‌تواند خطاساز باشد. باتوجه به این که هر استدلالی پایه استدلال بعدی است، انحراف در هر مرحله، باعث ناپایداری ادامه مسیر می‌گردد. از آنجاکه در شرایط کمبود شواهد، تحلیل‌گر بیشتر به نظریه روی می‌آورد (Carney, 1973: 173)، طبیعت منابع ساسانی زمینه‌ساز استدلال‌های قیاسی شده است.

برای مثال این که شاپور دختک در SKZ بند ۳۸، نام دختر شاپور میشان‌شاه است، دلیلی برای انتساب واژه دختک به پیوند دختر- پدری شد. در حالی که اگر دخت یا دختک منتسب به انسان باشد، می‌تواند بانو بزرگ معنی شود (شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۳۴). در همین کتیبه، هرمزد دختک، دختر نرسه، را داریم که هرمزد نام برادرش است که هنوز به دنیا نیامده است (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۷). مثال دیگر اعتقاد به سلطه کردیر است که او را مسبب اصلی مرگ مانی نشان داده، درحالی‌که براساس منابع مانوی، کردیر فقط یکی از اعضای هیئت داوری بوده است (زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۴۸۴).

مشکل دیگر در زمان تحلیل این که پژوهش پروسوپوگرافی از معیارهای ذهنی دوری می‌کند (Carney, 1973: 175) در حالی که توقعات اجتماعی، وابستگی‌های عاطفی، باورهای صادقانه منشأ بسیاری از رفتارهای بیرونی هستند که نادیده گرفتن آن‌ها تحلیل را به خطر می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

به کمک پروسوپوگرافی تاریخ ساسانیان از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالاکتاف، پژوهشگران از زاویه دید بازیگران تاریخ به تحولات دوره گذار از حکومت اشکانی و شکل‌گیری شهریاری ساسانی می‌نگرند. ضرورت بازبینی موضوعات دوره مورد نظر، پژوهش حاضر را به سمت بررسی اهمیت، کارکرد و محدودیت‌های این روش فراخواند تا ظرفیت آن را در بررسی موضوعات مختلف نشان دهد. پروسوپوگرافی بستری را فراهم می‌آورد تا ضمن شناسایی همه‌جانبه کنشگری مدخل‌های پژوهش، از گزینش نمونه‌های پررنگ‌تر و تحلیل‌های سوگیرانه جلوگیری شود.

پیدا است که طبیعت منابع دوره پژوهش، از نظر رویکرد و فراوانی، منعی برای مکتب

نخبه‌گرا و رویکردهای سیاسی ایجاد نمی‌کنند. پرسوپوگرافی با نظم‌بخشیدن به داده‌های کمیاب، پاسخ به پرسش‌های معیار و حتی بی‌پاسخ گذاشتن پرسش‌هایی که با سکوت منابع مواجه هستند، زمینه‌ساز نظریه‌آزمایی و تحلیل‌های جدید است. در این روش، سهم هر یک از منابع مادی، اپیگرافی، تاریخ‌نگاری‌های ایرانی و غیر ایرانی در بررسی موضوعات دو سده نخست ساسانی آشکار می‌گردد. تبدیل یافته‌ها به پایگاه‌های داده، نه تنها امکان ادامه موضوعات را تا آخر دوران ساسانی فراهم می‌آورد، بلکه دسترسی پژوهشگران علوم انسانی و علوم اجتماعی به داده‌های تاریخی را آسان می‌نماید. این پژوهش با معرفی روش و زمینه‌های به کار بستن آن، بیش از آن که یک نمونه منفرد را ارائه دهد، بستر جدیدی برای بازبینی یا پرداختن به موضوعات جدید دو سده نخست ساسانی را فراهم آورده است.

منابع

- آکاتانگوس (۱۳۹۷) *تاریخ ارمنیان*، ترجمه گارون سارکسیان، تهران: نائیری.
- پاوستوس بوزند (۱۳۹۷) *تاریخ ارمنیان*، ترجمه گارون سارکسیان، تهران: نائیری.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۷) *روش پژوهش در تاریخ‌شناسی: با تجدید نظر و اضافات*، قم: لوگوس.
- _____ (۱۴۰۱ الف) «درآمدی بر دوره‌بندی موضوعی و بوم‌محور از تاریخ ایران»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، ۳۲ (۲۹)، صص ۱۰۵-۱۳۳.
- _____ (۱۴۰۱ ب) «توصیف فربه» مهم‌ترین مسئولیت علمی مورخان از قدیم تا جدید»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، ۳۲ (۳۰)، صص ۱۱۷-۱۳۳.
- دریایی، تورج (۱۳۹۸) *شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م)*، ترجمه شهربانو صارمی، تهران: ققنوس.
- زرین کوب، روزبه (۱۳۹۳) «تاریخ سیاسی ساسانیان»، *تاریخ جامع ایران*، جلد ۲، تهران: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*.
- زرین کوب، روزبه؛ مسگر، علی‌اکبر (۱۴۰۰) «هم‌پیمانی نیروهای اجتماعی در پی‌ریزی شهریاری ساسانی»، *تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰ (۲)، صص ۹۱-۱۱۵.
- شایگان، رحیم (۱۳۷۸) «منصب هرگبد در دوره ساسانی»، *ادبیات و زبان‌ها، ایران‌نامه*، (۶۶)، صص ۲۸۷-۲۹۰.
- شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۸۹) *تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عباسی، سمیه؛ ملک‌شاهی، هاشم (۱۴۰۱) «تاریخ میان‌رشته‌ای و جایگاه آن در پژوهش‌های تاریخی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، ۳۲ (۲۹)، صص ۱۸۳-۲۲۰.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۷) *روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، قم: لوگوس.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۶) *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران: نی.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۳۱۳

نصراله‌زاده، سیروس (۱۳۸۴) نام‌تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمز دوم، تهران: پژوهشکده زبان و گویش.

هويزه، فيليپ (۱۳۸۹) «ادبیات کتبه‌ای در زبان‌های ایرانی باستان و میانه»، ترجمه سیروس نصراله‌زاده، تاریخ ادبیات فارسی: ادبیات ایران پیش از اسلام، جلد ۱۷ (پیوست ۱)، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: سخن.

- Ankoud, R., 2020, "Prosopography: An Approach to Studying Elites and Social Groups", *AlMuntaqa*, 3(1), pp.70-85.
- Brosius, Maria, 2000, "Women in Pre-Islamic Iran", *EIr*.
- Carney, T.F., 1973, "Prosopography: payoffs and pitfalls", *Phoenix*, 27(2), pp.156-179.
- Carter, J.M., 1984, "Prosopography as a Teaching Tool: Understanding the Essence of Power", *The Clearing House*, 58(1), pp.14-17.
- Coles, D.C.; Netting, F.E.; and O'Connor, M.K., 2018, "Using prosopography to raise the voices of those erased in social work history", *Affilia*, 33(1), pp.85-97.
- Eck, Werner, 2003, "The Prosopographia Imperii Romani and Prosopographical Method", *Fifty years of prosopography: the later Roman Empire, Byzantium and beyond* (No. 118). Oxford University Press.
- Bosworth, C. Edmund, 1995, "Dīvān: ii. Government Office", *EIr*, Vol. VII, Fasc. 4, pp. 432-438.
- Horster, M., 2007, "The Prosopographia Imperii Romani (PIR) and New Trends and Projects in Roman Prosopography", *Prosopography. Approaches and Applications*, pp. 231-240.
- Justi, F., 1895, *Iranisches Nmenbuch*, NG Elwert.
- Kamenka, Eugene, 1989, *Bureaucracy*, (Oxford: Basil Blackwell).
- Keats-Rohan, K.S., 2007a, "Biography, identity and names: Understanding the pursuit of the individual in prosopography", *Prosopography Approaches and Applications. A Handbook*, pp.139-182.
- Keats-Rohan, K.S., 2007b, "Introduction: Chameleon or chimera? Understanding prosopography", *Prosopography Approaches and Applications*, pp. 1- 32.
- Koenraad, V.; Carlier, M.; and Dumolyn, J., 2007, A short manual to the art of prosopography. *Keats-Rohan, Katherine, SB (ed.). Prosopography Approaches and Applications. Oxford: University of Oxford*, pp.35-69.
- Kovács, Peter, 2012, "Epigraphic records", *A Companion to Marcus Aurelius*, pp.77-91.
- Parnell, D.A., 2012, "A Prosopographical Approach to Justinian's Army", *Medieval Prosopography*, pp.1-75.
- Perikhanian, A., 1983, "Iranian society and law", *The Cambridge History of Iran*, 3(2), pp.627-680.
- Pourshariati, Parvaneh, 2008, *Decline and Fall of the Sasanian Empire: the Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran*, London and B. Tauris.
- Shahbazi, A. Shapur, 1983, "Studies in Sasanian Iconography I. Narse's Investiture at Naqš-I Rostam", *AMI* 16, 255- 268.
- Shahbazi, A. Shapur, 1985, "Studies in Sāsānian Prosopography II. The Relief of Ardašir II at Tāq- I Bustān", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 18: 181- 185.
- Shahbazi, A. Shapur, 1986, "Army i. Pre-Islamic Iran", *EIr*, vol. II/5, pp. 489-499.
- Shahbazi, A. Shapur, 1998, "Studies in Sasanian Prosopography: III Barm-I Dilak: Symbolism of Offering Flowers", *The Art and Archaeology of Ancient Persia*, ed. V. Sarkhosh, et al. I.B. Tauris. London, pp. 58-66.
- Shahbazi, A. Shapur, 2005a, "Sasanian Dynasty", *EIr*, online edition.
- Stone, Lawrence, 1971, "Prosopography", *Daedalus, Historical Studies Today*, vol. 100, no.1, pp. 46- 79.
- Tafazzoli, Ahmad, 2000, *Sasanian Society: I. Warriors II. Scribes III. Dehqāns*, New York: Bibliotheca Persica Press.
- Wilson, Stephen, 1998, *The Means of Naming: a Social and cultural history of personal naming in western Europe*, London.

List of sources with English handwriting

- Abbasi, Somayeh & Malekshahi, Hashem (2022). "Interdisciplinary History and its Position in Historical researches", Journal of *historical perspective and historiography*, Vol 32, No 29, 120-183.
- Agathangelos, 2018, *History of the Armenians*, tr. Garon Sarkisian, Tehran: Na'iri.
- Daryaei, Touraj. (2019), *Sasanian Persia (224- 651 A.D.)*, tr. Shahrbanoo Saremi, Tehran: Qoqnūs.
- Hazrati, Hassan (2022), An introduction to the thematic and native periodization of Iran's history, Journal of *historical Perspective & historiography*, Vol.32, No.29, pp.105-133.
- Hazrati, Hassan (2022). Research method in historiography, (3rd edition), Tehran: Lūgūs.
- Hazrati, Hassan (2023), "Thick Description", the most important scientific responsibility of historians from old to modern period, Journal of *historical Perspective & historiography*, Vol.32, No.30, 117- 133.
- Huysse, Ph. (2010), "Inscriptional literature in old and Middle Iranian Languages: Middle Persian inscriptions", tr. Cyrus Nasrolahzadeh, A history of Persian literature: The Literature of pre-Islamic Iran, ed. Ehsan Yarshater, Vol. 17, Tehran: Soḡan.
- Mohammadpour, Ahmad, 2017, Method for Method: on the structure of Knowledge in Humanities, Qom: Lūgūs.
- Mollaiy Tavani, Alireza, 1386, an introduction to the research method in history, Tehran: Ney.
- Nasrolahzade, Siros, 2014, *Sassanian prosopography from the beginning to Hormuz II*, Tehran: Research Institute for Language and Dialect.
- Pawstos (Faustus) of Byzantium (2018), *History of Armenias*, tr. Garon Sarkisian, Tehran: Nā'iri.
- Shayegan, M. Rahim (1999), "Mansab Argbed in the Sassanid Period", *Literature and Languages, Irannameh*, Spring, No. 66.
- Shahbazi, Alireza Shapour, (2010), *Sassanian history: translation of the Sasanian section from Tabari's history and its comparison with Balami's history*, Tehran: Iran University Press (IUP).
- Zarrinkoob, Roozbeh (2014), "Political History of the Sassanids", *The comprehensive History of Iran*, Vol. 2, Tehran: The center for the great Islamic Encyclopedia.
- Zarrinkoob, Roozbeh & Mesgar, Ali Akbar (2022), "Association of social forces in laying the foundation establishment of the Sassanid State", *Socio Economic History Studies*, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS) Biannual Journal, Vol. 10, No. 2, Autumn and Winter, 89-115.

References in English

- Ankoud, R., 2020. Prosopography: An Approach to Studying Elites and Social Groups", *AlMuntaqa*, 3(1), pp.70-85.
- Brosius, Maria, 2000. "Women in Pre-Islamic Iran", *Elr*.
- Carney, T.F., 1973, "Prosopography: payoffs and pitfalls", *Phoenix*, 27(2), pp.156-179.
- Carter, J.M., 1984, Prosopography as a Teaching Tool: Understanding the Essence of Power", *The Clearing House*, 58(1), pp.14-17.
- Coles, D.C.; Netting, F.E.; and O'Connor, M.K., 2018, "Using prosopography to raise the voices of those erased in social work history", *Affilia*, 33(1), pp.85-97.
- Eck, Werner, 2003, "The Prosopographia Imperii Romani and Prosopographical Method", *Fifty years of prosopography: the later Roman Empire, Byzantium and beyond* (No. 118). Oxford University Press.
- Bosworth, C. Edmund, 1995, "Dīvān: ii. Government Office", *Elr*, Vol. VII, Fasc. 4, pp. 432-438.
- Horster, M., 2007, "The Prosopographia Imperii Romani (PIR) and New Trends and Projects in Roman Prosopography", *Prosopography. Approaches and Applications*, pp. 231-240.
- Justi, F., 1895, *Iranisches Namenbuch*, NG Elwert.
- Kamenka, Eugene, 1989, *Bureaucracy*, (Oxford: Basil Blackwell).

- Keats-Rohan, K.S., 2007a," Biography, identity and names: Understanding the pursuit of the individual in prosopography", *Prosopography Approaches and Applications. A Handbook*, pp.139-182.
- Keats-Rohan, K.S., 2007b," Introduction: Chameleon or chimera? Understanding prosopography", *Prosopography Approaches and Applications*, pp. 1- 32.
- Koenraad, V.; Carlier, M.; and Dumolyn, J., 2007, A short manual to the art of prosopography. *Keats-Rohan, Katherine, SB (ed.). Prosopography Approaches and Applications. Oxford: University of Oxford*, pp.35-69.
- Kovács, Peter, 2012," Epigraphic records", *A Companion to Marcus Aurelius*, pp.77-91.
- Parnell, D.A., 2012," A Prosopographical Approach to Justinian's Army", *Medieval Prosopography*, pp.1-75.
- Perikhanian, A., 1983," Iranian society and law", *The Cambridge History of Iran*, 3(2), pp.627-680.
- Pourshariati, Parvaneh, 2008, *Decline and Fall of the Sasanian Empire: the Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran*, London and B. Tauris.
- Shahbazi, A. Shapur, 1983," Studies in Sasanian Iconography I. Narse's Investiture at Naqš-I Rostam", *AMI* 16, 255- 268.
- Shahbazi, A. Shapur, 1985," Studies in Sāsānian Prosopography II. The Relief of Ardašir II at Tāq- I Bustān", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 18: 181- 185.
- Shahbazi, A. Shapur, 1986, "Army i. Pre-Islamic Iran," *Elr*, vol. II/5, pp. 489-499.
- Shahbazi, A. Shapur, 1998," Studies in Sasanian Prosopography: III Barm-I Dilak: Symbolism of Offering Flowers", *The Art and Archaeology of Ancient Persia*, ed. V. Sarkhosh, et al. I.B. Tauris, London, pp. 58-66.
- Shahbazi, A. Shapur, 2005a," *Sasanian Dynasty*", *Elr*, online edition.
- Stone, Lawrence, 1971," Prosopography", *Daedalus, Historical Studies Today*, vol. 100, no.1, pp. 46- 79.
- Tafazzoli, Ahmad, 2000, *Sasanian Society: I. Warriors II. Scribes III. Dehqāns*, New York: Bibliotheca Persica Press.
- Wilson, Stephen, 1998, *The Means of Naming: a Social and cultural history of personal naming in western Europe*, London.



The significance and function of prosopography in the studies of Sasanian history (from Ardashir Babakan to the end of the reign of Shapur Zul-Aktaf¹)

Vida Movaffaghi²
Roozbeh Zarrinkoob³

Received: 2024/03/17
Accepted: 2024/10/10

Abstract

Although historians have traditionally considered individuals' background or roles in historical studies, a comprehensive and subject-based group identification of historical figures is rarely seen. Prosopography offers a systematic approach to collecting and organizing data about individuals related to a specific topic, focusing on shared characteristics among primary sources. This method allows researchers to analyze subjects beyond dominant or traditional narratives' constraints. The need for independent identification of historical figures and reconsideration of issues from the first two centuries of the Sassanid era (from Ardeshir Babkan to the end of Shapur Zol-Aktaf's era) prompts this research to first introduce the prosopography method and its application in historical studies, and then suggest topics well-suited for that. The research aims to provide a platform for examining certain historical issues from the first two centuries of the Sassanid era—an era often marked by uncertainties due to scarce sources and the influence of the intellectual atmosphere in later historiography. Rather than focusing on a single case, this study highlights the importance and function of prosopography in various subjects. Each subject serves as a foundation for continued research through the end of the Sassanid era.

Keywords: Prosopography, Sasanians, Political History, Social History, Onomastics.

1. DOI: 10.22051/HPT.2024.46703.1718

2. PhD student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. vida.movaffaghi@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author). zarrinkoobr@ut.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507